



”

رد دود
موشک‌های
مقاومت آسمان
عسقلان و حیفا
و کلی دیگر
از شهرکهای
صهیونیست
نشین را خط خطی
کرده و مدفوع
سگ خیابان‌ها و
پارک‌ها و
گردشگاه‌های
تهران را

”

در یادداشت
می‌توانی برای
حرفه‌هایی که از
قبل داشته‌ای،
یک فیلم را بهانه
کنی و... نهایتاً
به این نتیجه
برسی که: دیدی
می‌گفتم؟! اما
نقد واقعی یک اثر
هنری وقتی است
که مثل داعش
به خودت نارنجک
ببندی و خودت و
هنرمند و اثرش را
با هم منفجر کنی

ابریستاره‌ای که در مرکز آن (مثل یک راکتور عظیم) و در آخرین لحظات حیاتش بسیاری از عناصر مثل کربن، اکسیژن، نیتروژن و غیره، زاده شده و سپس از بقایای انفجار وحشتناک آن زمین، خورشید و منظومه شمسی (شاید بعد از صدها میلیون سال) متولد شده است. یعنی حداقل بخش‌های مهمی از تولد مولکول‌های بدن ما در فعل و انفعالات هسته‌ای بسیار عظیم ریشه داشته... اگر فعلاً از احتمال مرگ توسط بمب‌های هسته‌ای زیرتی در حد هزاران مکانان تی‌ان‌تی صرف‌نظر کنیم، اگر سرگذشت آن ابریستاره هم تا خود لحظه صفر مهبانگ قابل پیگیری است.

مهبانگ مادر اولیه بوده و ابر ستاره مادر بعدی و زمین مادر بعدی و... مزرعه‌ای که پدر و مادر ما از آن تغذیه کرده‌اند و اسید آمینه‌هایی که تبدیل به فرمول «دی‌ان‌ای» در کروموزوم شده‌اند و... به همین دلیل فعالیت‌های متریالیست‌ها و وهابی‌ها در مورد روح و جسم مشکل بین خودشان را حل کنند مجبوریم از دوران جنینی صرف‌نظر کنیم. (نه فقط به دلیل اینکه فعلاً اردوگاه جنین مهم‌تر است. بلکه ما کمی بعد، فقط با سکوتی نسبتاً ازلی و ابدی کار داریم که در دوران پیش از تولد و بعد از مرگ وجود دارد.) اولین زبان و اولین حرفی که نوزاد با ورود به جهان باز می‌کند و می‌گوید، گریه کردن است. مادر اولین کسی است که زبان گریه را می‌فهمد و ترجمه می‌کند. گریه‌هایی که دلیل آن گرسنگی است آمیزه‌ای از التماس و خشم را دارند. اگر مقدار خشم و بی‌زاری غلبه کند، احتمالاً جای کودک خیس است. اگر گریه‌ها متناوب بوده و پس از اوچ گرفتن خاموش شوند، احتمالاً بچه دل‌درد دارد. اما اگر گریه‌ها مداوم باشند و با پهلوبه‌پهلوشدن کودک تغییر کنند، باید به احتمال گوش - درد فکر کرد. بعضی از گریه‌ها نشانه آن است که بچه حوصله‌اش سررفته و نیاز به توجه و سرگرمی دارد. یک وضعیت فیزیکی جدید... یا دیدن یک منظره تازه... شکلک‌های مسخره‌ای که پدر در می‌آورد و معنی خاصی ندارد... یا هر چیز دیگری که بتواند توجه کودک را به خود جلب کرده و حواسش را پرت کند. در مورد سوختن بچه با بمب‌هایی فسفر سفید نیز گریه می‌تواند نشانه آن باشد که کودک هنوز زنده است و

جز با مرگ خاموش نمی‌شود. تمام اینها کارها و روش‌هایی است که می‌تواند بچه را ساکت کند. کودک تا وقتی مشکلی ندارد ساکت است. اما هر وقت ساکت است به این معنا نیست که مشکلی ندارد. بچه اگر گریه نکند ممکن است دچار مشکلات به مراتب شدیدتری شده باشد. مشکلاتی که خود کودک نه آنها را حس می‌کند و نه تشخیص می‌دهد. پدر و مادر شک می‌کنند که بچه هنوز زنده است یا نه؟ دقت می‌کنند نفس می‌کشد یا نه؟ قاعدتاً این اشاره‌های کوتاه و پراکنده را نمی‌توان به عنوان آموزش‌های قبل از بارداری و زایمان در نظر گرفت. مطلب اصلی مورد نظر ما در اینجا، رابطه مشکل نداشتن و سکوت است. سکوت و دیگر هیچ. البته تمام مطالب قبلی در حکم جمع‌بندی بود. جمع‌بندی حرف‌هایی که شاید از یک کتاب جداگانه در این مورد (آیین گفت‌وگو) نیز حذف شوند. اما اگر بخواهیم این جمع‌بندی را یک بار دیگر جمع‌بندی کنیم، این گونه می‌شود: ذهن ما برای تعریف و تشخیص خیلی از چیزها از رابطه اضداد استفاده می‌کند. تعریف و درک ماهیت روز با چپستی شب،